

در دنیایی که سرعت تحولات فناوری از توان پیش بینی مافراتر رفته، هوش مصنوعی مولد دیگر یک مفهوم دور از دسترس یا مربوط به آینده نیست؛ بلکه به بخشی واقعی و اثرگذار از زندگی حرفه‌ای امروز تبدیل شده است. کتاب «هوش مصنوعی مولد برای بازاریاب‌ها» نوشته نیک ماتار و ترجمه کامبیز منوچهریان و حسن واحدی پور، تلاشی آگاهانه برای پاسخ به این نیاز اساسی است؛ نیازی که امروز نه‌تنها متخصصان دیجیتال مارکتینگ، بلکه تمام فعالان حوزه محتوا، برندینگ و ارتباط با مشتری با آن روبه‌رو هستند.

این کتاب از همان ابتدا با یک واقعیت مهم مواجه‌مان می‌کند: هوش مصنوعی مولد صرفاً یک ابزار جدید نیست، بلکه نقطه عطفی تاریخی در مسیر بازاریابی به‌شمار می‌آید. نوعی فناوری که فاصله میان ایده و اجرا را به حداقل رسانده و معادله سنتی «زمان، هزینه و نیروی انسانی» را بازنویسی کرده است. اگر تا دیروز تولید محتوای باکیفیت، تحلیل داده یا شخصی‌سازی پیام‌ها نیازمند تیم‌های بزرگ و زمان طولانی بود، امروز یک متخصص مسلط به هوش مصنوعی مولد می‌تواند همان مسیر را سریع‌تر، هوشمندانه‌تر و مقرون به صرفه‌تر طی کند.

نویسنده کتاب با نگاهی واقع‌گرایانه، نه دچار هیجان زدگی مرسوم درباره هوش مصنوعی می‌شود و نه در دام پیچیدگی‌های فنی می‌افتد. نقطه قوت اصلی کتاب، ایجاد پلی میان دانش تئوریک و کاربرد عملی است. مخاطب با مطالعه این اثر، صرفاً با تعریف‌ها و مفاهیم انتزاعی مواجه نمی‌شود، بلکه یاد می‌گیرد چگونه از مدل‌های مولد برای تولید محتوا، بازاریابی شخصی‌سازی‌شده، افزایش بهره‌وری و حتی سنجش موفقیت کمپین‌ها استفاده کند.

در بخش‌های مختلف کتاب، تأکید می‌شود که هوش مصنوعی مولد برخلاف هوش مصنوعی سنتی که بیشتر بر تشخیص و طبقه‌بندی تمرکز دارد، توانایی «خلق» دارد؛ خلق متن، تصویر، آید و حتی راهکارهایی که پیش از این وجود نداشته‌اند. همین ویژگی است که آن را به ابزاری قدرتمند برای بازاریابان تبدیل کرده؛ ابزاری که می‌تواند خلاقیت انسانی را تقویت کند، نه حذف.

نکته مهم دیگری که کتاب به درستی بر آن تأکید دارد، این است که این اثر فهرست جامعی از ابزارها و پلتفرم‌ها نیست. دلیل این انتخاب کاملاً منطقی است: دنیای هوش مصنوعی مولد به شدت پویاست و ابزارها با سرعتی باورنکردنی متولد می‌شوند، تغییر می‌کنند یا از بین می‌روند. در عوض، کتاب بر ارائه استراتژی‌ها، چارچوب‌های فکری و ملاحظات کلیدی تمرکز دارد؛ دانشی که حتی با تغییر ابزارها نیز همچنان کاربردی باقی می‌ماند.

از منظر اخلاقی نیز کتاب رویکردی مسئولانه دارد. استفاده از هوش مصنوعی در تولید محتوا، اگر بدون درک پیامدها باشد، می‌تواند به کاهش اعتماد مخاطب یا افت کیفیت منجر شود. نویسنده با طرح این چالش‌ها، خواننده را به استفاده آگاهانه، شفاف و هدفمند از این فناوری دعوت می‌کند.

ترجمه فارسی کتاب نیز با وسواس و دقت انجام شده تا متن، صرفاً برگردان واژه‌ها نباشد، بلکه «روح اثر» را منتقل کند. مترجمان تلاش کرده‌اند مفاهیم پیچیده را به زبانی روان و قابل فهم برای فعالان بازار دیجیتال ایران ارائه دهند؛ بازاری که بیش از هر زمان دیگری نیازمند همگام‌شدن با تحولات جهانی است. در نهایت، پیام اصلی کتاب روشن است: هوش مصنوعی مولد آمده است که بماند، اما ما هنوز در ابتدای مسیر قرار داریم. پیشرفت این فناوری به قدری سریع است که حتی بهترین کتاب‌ها نیز نیازمند به‌روزرسانی مداوم‌اند. به همین دلیل، مطالعه این اثر نباید نقطه پایان، بلکه نقطه آغاز باشد. توصیه می‌شود مخاطبان، علاوه بر بهره‌گیری از محتوای فعلی کتاب، منتظر نسخه‌ها و آپدیت‌های بعدی آن نیز باشند تا بتوانند همگام با تغییرات، دانش و مهارت خود را به‌روز نگه دارند.

«هوش مصنوعی مولد برای بازاریاب‌ها» بیش از آنکه یک راهنمای قطعی باشد، نقشه‌ای منعطف است؛ نقشه‌ای که اگر با تمرین، آزمون و خطا و شخصی‌سازی همراه شود، می‌تواند مسیر بازاریابی آینده را برای حرفه‌ای‌ها هموار کند. آینده از آن کسانی است که جرأت یادگیری، تطبیق و حرکت در دل ناشناخته‌ها را دارند.



گفت وگو با امید چاوشی به مناسبت انتشار «دریچه»:

برگزاری بیش از ۱۱۰۰ جلسه شعر با ۲۰ میلیون تومان

احساس می‌کنم در آموزش جوانان مفیدترم

مشکلاتی که در فضای شعر و کیفیت اشعار داریم، اما هنوز شاعران خوب بسیاری وجود دارند که وظیفه معرفی شعر خوب به جامعه را به عهده دارند و شاید عمده دلیل عدم چاپ اشعار نبودن همین احساس وظیفه در من است. من بیشتر در حوزه آموزش نسل جوان احساس مسئولیت دارم و حس می‌کنم اگر توان و انرژی خودم را در این حوزه بگذارم، برای ادبیات و شعر مفیدتر هستم تا چاپ اشعار.

◀ **بعد از مرحوم سیدکریم قنبری، نزدیک دودهم است که فعالیت‌های کانون شعر هنگام در فرهنگسرای «هنگام» را مدیریت می‌کنید و یک کتاب شعر مشترک از شاعران هنگام با نشر «فرادید» منتشر کردید. شکل‌گیری این مجموعه شعر و فعالیت‌های کانون به چه صورتی است؟ آیا شما برای این همه فعالیت‌ها بودجه‌ای هم می‌گیرید؟**

ابتدا باید بگویم استاد قنبری هفت سال کنار کانون هنگام بودند (از سال نهم تا سال پانزدهم فعالیت)، اما هیچ‌گاه به طور رسمی کارشناس، مجری یا هر مسئولیت دیگری در کانون نداشتند و بیشتر در نقش راهنما و مرشد و استاد بودند و اتفاقاً تأثیر بسیاری در نوع و نگرش مدیران کانون برای تعیین سیاست‌های کانون داشتند. روح‌شان شد. اما مجموعه «هنگام شاعرانه» که اشعار برگزیده اعضای هنگام در سال دهم فعالیت کانون بود، توسط بنده جمع‌آوری و در هزار نسخه چاپ شد که شامل اشعار بسیار خوبی از جوانان هنگام و دیگر شاعران کانون بود. هرچند کتاب شامل اشعار بسیار خوب بود، اما کیفیت چاپ اضرایی‌کننده نبود و دلیل این موضوع بی‌تجربگی من و دیگر مدیران وقت کانون بود. درباره بودجه هم باید بگویم در تمام این ۲۳ سال فعالیت و برگزاری بیش از هزار رویداد مراسم، کمتر از ۲۰ میلیون تومان بودجه داشته‌ایم و تمام هزینه‌ها (حتی لیوان یک بار مصرف) و هدایای بزرگداشت‌ها و... را بنده از محل درآمد شخصی تأمین کرده‌ام و حتی حامی مالی یا کمک مردمی نداشته‌ام و از این موضوع تقریباً اکثریت قریب به اتفاق اعضا و شاعران مطلع هستند.

◀ **آقای چاوشی، مخاطبان شما را با جلسات ادبی فرهنگسرای «هنگام» می‌شناسند؛ اما لطفاً در آغاز، کمی از سوابق فعالیت‌های ادبی تان توضیح دهید.**

برای معرفی خودم که چیز زیادی برای گفتن ندارم، جز این‌که در سال‌هایی که در فضای ادبیات نفس کشیده‌ام، همواره در حال آموختن بوده‌ام و در کنارش مدیریت کانون شعر هنگام را به عهده داشته‌ام که چندین بیش هزار و صدمین جلسه خود را برگزار کرد. همچنین در حوزه نقد، در حد سوادم فعال بودم و مقالات و نوشته‌هایی در فضای حقیقی و مجازی منتشر کرده‌ام و هم حدود ده سال است چندین دوره کارگاه برگزار کردم که انصافاً با استقبال خوبی روبه‌رو شده است؛ هرچند معمولاً کارگاه‌ها رایگان و بدون تبلیغات مرسوم تشکیل شده است. مجموعه شعرى ندارم و چاپ نکرده‌ام که دلایل شخصی برای عدم انتشار دارم که اگر فرصت شد، در طول مصاحبه شرح خواهم داد.

◀ **پاسخ دادن به این سوال، مهم است. چرا امید چاوشی بعد از نزدیک به سه دهه فعالیت فنی و شعرى، هنوز مجموعه شعرى منتشر نکرده است؟ در صورتی که می‌دانیم شما چند مجموعه شعر آماده چاپ دارید؟**

البته خیلی کمتر از سه دهه و حدود بیست و دو، سه سال فعالیت دارم. اعتقاد شخصی من این است که وقتی مجموعه شعرى چاپ می‌شود و در تاریخ ادبیات غنی ایران ثبت می‌شود، حتماً و باید حرفی تازه برای گفتن و اضافه شدن به شعر ایران داشته باشد. این حرف و حرکت تازه می‌تواند در حوزه زبان، معنا، فرم و... باشد. در حال حاضر معتقدم شاید اشعارم هنوز برای اضافه و ثبت شدن در تاریخ ادبیات ایران مناسب نیست. البته بزرگان و دوستان اصرار به چاپ اشعار دارند که شاید نظرات منتقدین باعث شود در این رویکردم تجدید نظر کنم. به علاوه با تمام

دستگاه‌ها، به خارج از کشور اعزام شد و به وساطت آنها از مخالفت مقامات دانشگاهی در امان ماند و تقریباً دوران زیادی از زندگی‌اش را به همین ترتیب به آرامی سپری کرد. سال ۱۵۸۶ بود که در لندن و در محله‌ای که به محله ناتاری‌ها معروف و در کرانه چپ رودخانه تیمز واقع شده بود اقامت کرد. همان سال‌ها بود که شعر می‌نوشت و نمایشنامه نوشتن را هم آغاز کرد. با اهل ادب بسیار معاشرت و بیشتر وقت خود را در کنار آنها سپری می‌کرد. مارلو تا سال ۱۵۹۲، درست همان زمان که طاعون امان لندن را بریده بود در آنجا زندگی کرد و بعد به نزد دوستی به نام کت رفت. مارلویکی از فقت ادیب انگلیسی است که در قرن شانزدهم، نمایشنامه نویسی را در این کشور بنیان نهادند و به همین دلیل او را پدر نمایشنامه نویسی انگلیس می‌دانند. سندهای بسیاری وجود دارد که نشاندهنده از مارلو بسیار تأثیر پذیرفته است، چه در حوزه فلسفی که هر دو از یک ریشه متأثر بوده‌اند و چه در حوزه فرم ادبی. چراکه اولین شخصی که از اشعار بدون قافیه در ادبیات نمایشی آن دوران استفاده کرد، کریستوفر مارلو بود. از جمله ابتکارات مارلو در حوزه فرم، در شعر شکستن قواعد موجود در ساختارهای امقبل خود، وارد کردن اشخاص خیالی و غیرواقعی به آثار نمایشی و استفاده از اشعار بدون قافیه و بدون وزن در ادبیات نمایشی بر شمرده می‌شود که همه این‌ها بعدها به

که حدود هفت سال گذشته در ذهن من بوده و شروع به تألیف آن کرده بودم و در طول این مدت تغییرات ساختاری بسیاری داشت تا سرانجام ماه پیش سه جلد اول آن توسط نشر آثار برتر روانه بازار شد. این مجموعه هفت جلدی در نظر دارد هنرمندان جوان در حوزه‌های مختلف هنر و شاعران و نویسندگان را با مبانی اولیه هنر از قبیل زیبایی‌شناسی، نشانه‌شناسی، هرمنوتیک، روایت و... آشنا کند، اما رویکرد من در تألیف کاملاً متفاوت با کتاب‌های موجود دیگر بوده که لازم است حتماً شرح دهم. مطالعه کتاب‌های موجود از استاد‌های بزرگ و صاحب‌نظر برای هنرمندان غیر آکادمیک و جوان از چند منظر سخت بود. اول: حجم بسیار زیاد مطالب. یک هنرمند لازم نیست نشانه‌شناس شود، بلکه آشنایی با مبانی نشانه‌شناسی کمک بهتری به روند فعالیت او خواهد کرد؛ پس لازم است مطالب را در حجم کمتر، اما اصولی‌تر مطالعه کند. دوم: زبان گاه فلسفی و سخت کتاب‌های موجود، پس بنده تلاش کردم زبان را بسیار ساده و قابل فهم و در عین حال سرفصل‌های اصولی هر حوزه را رعایت کنم.

◀ **در کتاب‌های دریچه، تمام مؤلفه‌ها و مفاهیمی که مورد بحث قرار گرفته است، کاملاً زبانی ساده دارد. هدف از این ساده‌گویی مفاهیم و ساده‌نویسی چه بوده است؟**

اصلا هدف من و طراحی ساختار کتاب‌های مجموعه دریچه همین ساده‌نویسی و درک راحت‌تر مفاهیم بوده و سخت‌ترین بخش کار تألیف همین ساده‌سازی زبان بدون کاهش معنا و محتوا بود. دریچه برای هنرمندانی نوشته شده که آشنایی زیادی با زبان رایج فلسفی کتاب‌های نظری و ترجمه‌شده ندارند و بنیادت یا خواندن هر جلد، دریچه‌ای رو به یک حوزه نظری باز شود.

◀ **در کتاب «سواد ادبی»، رویکرد شما نسبت به ادبیات مدرن و پست‌مدرن به چه صورتی بوده است؟**

در جلد اول با عنوان «سواد ادبی» تلاش کردم وارد نظریات و ویژگی‌های هنر مدرن و پست مدرن نشوم؛ چرا که از سیاست ساختار دریچه دور بود. سیاست دریچه بر ایجاد و اختصار و کاربردی بودن بوده است. در سواد ادبی سعی کردم بیشتر بر اصطلاحاتی تمرکز کنم که چند ویژگی را دارند: اول: بسیار رایج و پرکاربرد هستند و شاعران بارها این

◀ **چند روز پیش رونمایی مجموعه کتاب‌های دریچه بود. آیا کتاب‌های دریچه که به مبانی و مباحث علوم انسانی و ادبیات و به خصوص شعر معاصر می‌پردازد، در همین سه جلد منتشر شده است؟**

کتاب‌های دریچه در واقع پروژه‌ای است

اصطلاحات را از زبان منتقدان می‌شنوند و درک این اصطلاحات کمک به درک بهتر نقد می‌کند. دوم: در روند نوشتن تأثیر مستقیم دارند (مثل ضعف تألیف و روایت و چند معنایی و...) سوم: فهم آن اصطلاح باعث درک نظریات پیچیده بست مدرن می‌شود؛ به عنوان مثال درک «دیفرانس» یا «هرمنوتیک» یا «واسازی» دریچه‌ای برای ورود به جهان نظریات دریدا، گادامر و دریدا است. پس هر اصطلاح با توجه به ویژگی‌های فوق با دقت انتخاب شده است.

◀ **وقتی کتاب نشانه‌شناسی شما را مطالعه کردم، متوجه شدم که شما به بیان تئوری‌های مختلف در بحث نشانه‌شناسی اشاره کرده‌اید. هدف شما از نحوه تحلیل نشانه‌ها در زبان چیست؟**

آیا شما رویکرد متفاوت‌تری در حوزه نشانه‌شناسی نسبت به پیشینیان خود دارید یا این کتاب موضع جدیدتری نسبت به آدم‌هایی دارد که قبلاً در این حوزه کار کرده‌اند؟ باید با قاطعیت اعلام کنم بنده در مجموعه کتاب‌های دریچه نه ادعای موضع و نظریات جدید دارم و نه حتی قصد و توان تقابل با کتاب‌های دیگر، بلکه هدفم دو موضوع اصلی است: اول: ساده‌سازی زبان و مفاهیم. دوم: بیان کلیات به شکلی که مخاطب آشنایی کاملی با حوزه مدنظر پیدا کند. البته با همان قاطعیت باید گفت محتوا و مفاهیم به هیچ عنوان ناقص نیست.

◀ **در کتاب «معناشناسی»، شما به بررسی شکل‌گیری معنا در زبان پرداخته‌اید؟ چه نوع مطالعه‌ای در زبان‌شناسی را معناشناسی می‌نامند؟**

روح استاد کروش صفوی شاد. در جلد سوم که معناشناسی است، منابع اصلی کتب ایشان بوده است. بررسی روند ونحوه شکل‌گیری معنا، بررسی تغییرات معنایی در طول تغییرات زمان یا تغییرات مکان و همچنین تأثیرات تغییرات واج‌ها، واژگان و جملات در نحوه تشکیل معنا، روش انتقال معنا و... همه در معناشناسی بررسی و تحلیل می‌شود و تمام این فعالیت‌ها زیرمجموعه دانش بزرگی به نام زبان‌شناسی است.

◀ **چرا شاعر در شعر پست مدرن معانی مختلف را به چالش می‌کشد؟**

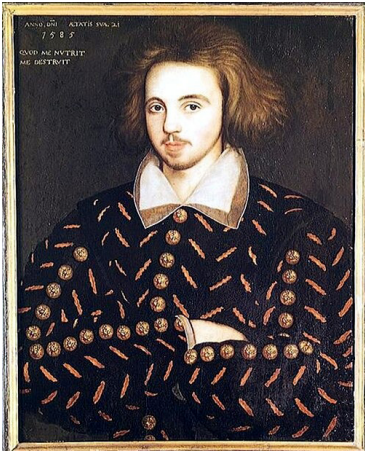
برای پاسخ به این سؤال وقت و مجال بیشتری لازم است، اما به طور خلاصه می‌توان



حقیقت‌های تحمیل شده مقاومت می‌کند و امکان خوانش‌های تازه و حاشیه‌ای را فراهم می‌آورد. در این بین، بازی با زبان و تأکید بر مصنوع بودن متن نشان می‌دهد که زبان واسطه‌ای شفاف برای انتقال معنا نیست، بلکه خود محل شکل‌گیری و لغزش معناست. به این ترتیب، شعر پست مدرن معنا را امری سیال، چندلایه و همواره در حال شسته‌شدن نشان می‌دهد.

◀ **با توجه به ارتباطی که در قالب جلسات نقد و شعرخوانی با شاعران جوان دارید، جریان شعر کنونی را چطور ارزیابی یا آسیب‌شناسی می‌کنید؟**

عمده مشکل کیفیت اشعار معاصر در نوع نوشتن و تکنیک و فرم نیست، به نظر من وجود اشعار ضعیف در این روزگاری‌کی از دلیر و شاعران است: اول: شاعران جوان شناخت درستی از هنر و شعر خوب ندارند و واقعا در تشخیص شعر خوب و ضعیف ناتوان هستند و نمی‌دانند چگونه بنویسند که خوب باشد و چه چیزی است. بخشی از مشکل حل‌شده، و اگر ایرادی گرفته می‌شود صرفاً سلیقه است، در حالی که واقعا در اصول و ویژگی‌های شعر خوب سلیقه مطرح نیست. شاید اگر شعر خوب را بشناسند و بدانند هدف رسیدن به یک جزی است، بخشی از مشکل حل‌شود. دوم: نبود منتقد دلسوز که وقت بگذارد و به شکل کاربردی (نه نظری) به نسل جوان کمک کند. سوم: معتقدم در نظریات مدرن و پست مدرن به شدت نیازمند بومی‌سازی و کاربردی‌سازی نظریات متفکران بزرگ هستیم. بخشی از مشکل ادبیات، درک نادرست نظریات متفکران توسط منتقدان است؛ مثلاً مرگ مؤلف صرفاً نادیدن تأثیر مؤلف بر متن نیست، بلکه بازده تأثیر دیگر دارد که چون توسط منتقدان کاملاً درک نشده، پس ارائه آن به جامعه ادبیات هم ناقص مانده است. چهارم: سکوت باسواد‌ها در فضای مجازی. کاش باسواد‌های جامعه ادبیات از نقش بیبنده صرفاً معترض خارج شوند و نقشی فعال‌تر و مؤثرتر داشته باشند.



در آنها با استادی فراوان انجام گرفته است. در منظومه «هیرو و لاندرد»، تغزل، درخششی خاص می‌یابد. این منظومه به سبب مرگ شاعر ناتمام ماند و به وسیله جورج چپمن به پایان رسید. مارلو همچنین ترجمه‌ای از قطعاتی از آثار او ویدو دیگران را نیز منتشر کرده است. در نظر عده‌ای از اهل ادب، مارلو در خلق بسیاری از نمایشنامه‌های عصر خود که بدون نام منتشر شده و حتی در چند نمایشنامه دوره جوانی شکسپیر دخالت داشته است. مارلو در عصر خود آشکارا به فساد متهم شد. یک بار نیز به سبب کشتن مهمانسازاری در ضمن دوئل و تهدید مقامات بالا به زندان افتاد. پایان غم‌انگیز زندگی مارلو و قتل او در مهمانسرای به دست شخصی به نام اینگرام فریزر بی‌شک ادب را تا مدت‌ها به حزن و اندوه فروبرد.

زبانی، در تراژدی یهودی مالت، نقائص بشری و عقاید پوچ بیان شده است. پیروزی بزرگی که این نمایشنامه به‌دست آورد، بیشتر به جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی آن بستگی دارد. در سال ۱۵۹۳ اولین تراژدی تاریخی مهم مارلو نوشته شده است که شاهکار او به‌شمار می‌آید. مارلو در این تراژدی از نظر شعر و بیان موضوع، بیش از پیش به یختمگی دست می‌یابد و موفق می‌شود که در اشعار و اندیشه‌هایش نظم و تناسب بیشتری به‌کار برد. از درخشندگی سطحی و سخن‌پردازی پرطمطراق تراژدی‌های قبل بکاهد و عمق و مفهوم خردمندانه‌ای از ضعف و محدودیت فکری بشر عرضه کند تا بهتر بتواند سرگذشت شاه سست عصر و احساس اینکه حتی کشتنش ترجم‌انگیز است، را بیان کند و به صحنه‌های مبهمی از تاریخ، واقعیت بیشتری ببخشد. این اثر در تاتار عصر الزبایت، مقام ممتازی به‌دست آورد. تراژدی «قتل عام در پاریس» که در سال ۱۵۸۹ نوشته شد و در حدود سال ۱۶۰۰ انتشار یافت، این اثر از نوع تراژدی‌هایی است که بر مبنای کینه‌توزی گزارده شده. اثر دیگر مارلو تراژدی «دیدیو ملکه کارناژ» در سال ۱۵۹۴ انتشار یافت. دو نمایشنامه اخیر نسبت به آثار دیگر مارلو در درجه پایین‌تری قرار گرفته است. آثار نمایشی مارلو اشعار غنایی او را تحت الشعاع قرار داده است. در حالی‌که این اشعار از دل‌نشینی و خوش‌آهنگی و انعطاف‌پذیری و انسجام بسیاری برخوردار است، خاصه پیوستگی صور ذهنی با خصوصیت‌های اشخاص و بیان شعری

دست شکسپیر به کمال رسید و رشد بیشتری پیدا کرد. خاص بودن سبک کریستوفر مارلو به‌خاطر نو و بدیع بودن در زمان خودش، آثار او را در قالب آثار خوب قرار می‌دهد. از مارلوشش تراژدی به‌جامانده است: «تیمورلنگ» که در سال ۱۵۹۰ بدون ذکر نام نویسنده منتشر و موجب شهرت مارلو شد. این تراژدی به شعر آزاد ساخته شده و مارلو در آن اراده و قدرت را با برجستگی و رنگارنگی و گویایی خاصی مجسم کرده است. تراژدی «دکتر فاستوس» نمایشنامه‌ای بی‌اخته از نظم و نثر است. بی‌آنکه به پرده‌های جداگانه تقسیم شده باشد. این تراژدی در سال ۱۵۸۸ ساخته شد و در سال ۱۶۰۱ بدون نام نویسنده و در ۱۶۴۰ با نام مارلو منتشر شد. در این نمایشنامه نیز مانند تراژدی تیمورلنگ، ادراک عظمت و قدرت به چشم می‌خورد، با این تفاوت که تیمورلنگ قهرمان استیلا و قدرت سیاسی است و فاستوس مظهر قدرت بشری که تا مرز نهایی دانش و معرفت و در عین حال کامجویی کشیده می‌شود. «یهودی مالت» در شعر آزاد در سال ۱۵۹۰ نوشته شد و در ۱۶۳۲ منتشر شد. موضوع این تراژدی در مبنای وقایع تاریخی واقعی نوشته شده و در آن فقت ادیب انگلیسی است که در قرن شانزدهم، نمایشنامه نویسی را در این کشور بنیان نهادند و به همین دلیل او را پدر نمایشنامه نویسی انگلیس می‌دانند. سندهای بسیاری وجود دارد که نشاندهنده از مارلو بسیار تأثیر پذیرفته است، چه در حوزه فلسفی که هر دو از یک ریشه متأثر بوده‌اند و چه در حوزه فرم ادبی. چراکه اولین شخصی که از اشعار بدون قافیه در ادبیات نمایشی آن دوران استفاده کرد، کریستوفر مارلو بود. از جمله ابتکارات مارلو در حوزه فرم، در شعر شکستن قواعد موجود در ساختارهای امقبل خود، وارد کردن اشخاص خیالی و غیرواقعی به آثار نمایشی و استفاده از اشعار بدون قافیه و بدون وزن در ادبیات نمایشی بر شمرده می‌شود که همه این‌ها بعدها به